



مواجهه از نزدیک : یک گزارش پزشکی

mhekmat@yahoo.com

منصور حکمت

و بالاخره، هرکس مواجهه ای از نزدیک با سرطان داشته است به شما میگوید که این انسان را برای چند روزی به یک سیر و سفر تماشایی فکری و معنوی میفرستد. انگار چشمبندهایتان را باز میکنند، قفلها را از روی عواطف و افکار تان برمیدارند و میگذارند یکبار دیگر از نو همه کوچه پس کوچه های دنیا و زندگی تان را آزادانه و با سرعتی خیره کننده سیاحت کنید. من این سفر را رفته. آموزنده بود. بازیابی خود و شاید سرسوزنی نزدیک تر شدن به حقیقت و معنای زندگی. میخواهم در اولین فرصتی که بتوانم این سفرنامه را، بخصوص خطاب به آن صدها انسان نازنینی که در آن روزها از دور و نزدیک من و خانواده ام را در آغوش خود گرفتند، بنویسم. فعلا فقط از همه شان صمیمانه تشکر میکنم.

حزب کمونیست کارگری برنامه مهمی برای مردم دارد. امسال سال تعیین کننده ای در زندگی حزب و جنبش آزادی و برابری است. کار زیاد است. من هم برگشته ام.

سایه سیاه، یک تهدید دائمی، یک تاریخ انقضا، یک حکم تعلیقی، بالای سر کسانی که لمس شان میکند قرار میدهد. باید برای این واقعه حساب باز کرد. یک جبهه جدید نبرد در زندگی فرد و نزدیکانش باز میشود. باید این واقعه را در متن زندگی گنجاند و خود را با آن تطبیق داد. روتینهایی را باید عوض کرد. این واقعه، بخصوص در اوائل کار، بهرحال بر نوع فعالیت و سهم گذاری من در حزب تاثیر میگذارد. برنامه من اینست که بسیار از نظر سیاسی و حزبی فعال باشم. از این نظر، این واقعه هیچ چیز را برای من عوض نمیکند. در عین حال در همفکری با رهبری حزب کمونیست کارگری در جستجوی راههایی هستیم که فشار و تنش کار تشکیلاتی و حزبی بر من کم بشود و بتوانم با فراغ بال بیشتر و مسئولیت مستقیم کمتری فعالیت کنم. از جمله این اقدامات یکی تغییر دائمی سردبیر انترناسیونال هفتگی است. با تشکر از زحمات کورش عزیز، هیات دبیران بزودی سردبیر دائمی جدیدی برای این نشریه تعیین خواهد کرد. سایر تغییرات را قاعدتا پلنوم بعدی کمیته مرکزی در ماههای آینده به تصویب خواهد رساند.

در هفته های اخیر دوستان بسیاری، از رفقای شخصی، فعالین و علاقمندان حزب، خوانندگان انترناسیونال هفتگی و شنوندگان رادیو انترناسیونال از غیبت و سکوت چندین هفته ای من ابراز نگرانی کرده اند. واقعیت این است من بتازگی از یک مشکل پزشکی نسبتا مهم بیرون آمده ام و اگرچه از ابتدا کمیته مرکزی حزب را کتبا در جریان مساله و سیر پیشرفت کار قرار دادم و در جلسه اخیر دفتر سیاسی حضورا توضیحات لازم را دادم، تازه اکنون اوضاع به اندازه کافی به روال عادی برگشته است که بتوانم موضوع را به اطلاع عموم برسانم.

چند هفته قبل، پس از تستهایی معلوم شد که زخم کوچکی که در ماههای اخیر در مخاط زبان من پیدا شده بود در واقع یک غده سرطانی است که باید جراحی شود. این جراحی سریعاً در کلینیکی در شمال آمریکا انجام شد. غده همراه با حاشیه اطمیانی از بافت سالم و همینطور چند لایه از غدد لنفاوی گردن که میتوانست مسیر سرایت و حرکت بیماری باشد برداشته شد. بافت شناسی نشان داد که این بیماری در مرحله ابتدایی بوده، غده کوچک بوده است و تماما برداشته شده و بافت بدخیم به غدد لنفاوی سرایت نکرده است. از نظر پزشکان، معالجات من در این دوره، شاید پس از چند روز رادیوتراپی تکمیلی و

اکنون عوارض جانبی عمل جراحی سنگین من کمابیش برطرف شده است. علیرغم آسیب جراحی بر عضله زبان، تکلم من دچار مشکل چندانی نشده و رو به بهبود کامل است. همانطور که گفتم این بیماری مزمن نیست. و مادام که برگشته است، نیست. لاجرم این واقعه در این مقطع تاثیری جسمی بر من و بر توان کار و فعالیت من ندارد. اما بهرحال سرطان متاسفانه هنوز لفظی هولناک است و اگرچه اکنون با پیشرفتهای پزشکی موجود دیگر آنرا لزوما مجازات اعدام نمیدانند، یک

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت
www.haftegi.com

۵۵

۴ خرداد ۱۳۸۰
۲۵ مه ۲۰۰۱

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر این شماره :

کورش مدرسی

اطلاعیه رادیو انترناسیونال
رادیو انترناسیونال
روی دو فرکانس
پخش میشود!
صفحه ۳

روابط عمومی حزب: مریم نمازی

تلفن: 00447719166731

فکس: 00448701351303

wpipr@ukonline.co.uk

دبیر خانه حزب: شهلا دانشفر

تلفن: 00447950517465

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال روی
دو فرکانس پخش میشود!

۲۵ متر

۱۱۶۳۵ و ۱۱۹۰۵ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب

بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

کورش مدرسی

به سیاهی پاکسازی قومی

در حاشیه قمه گشی اخیر باند

ایلخانی - مهتدی برای گومه له

صفحه ۲



mosaber@yahoo.com

مراسم تابوت چرخانی، بگبر و بیندهای جدیدی که جنایت های وزارت اطلاعات در "ماجرای قتل های زنجیره ای" صفحه ۳

مصطفی صابر

"نه"

به چه بزرگی!؟

در آستانه انتخابات اوضاع کشور بیش از پیش حالتی شبیه اوضاع فوق العاده به خود میگیرد. جمهوری اسلامی هر آنچه که در چننه جنایت دارد رو میکند: سنگسار یک زن به جرم شرکت در تهیه فیلمهای پورنوگرافیک، اعدام در ملاء عام، ایجاد رعب از طریق

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

به سیاهی پاکسازی قومی

در حاشیه قمه گشی اخیر باند ایلخانی - مهدی برای گومه له



koorosh@ukonline.co.uk

های مختلف را تصویب کرد بطریق اولی مورد قبول اینها نیست. از نظر این دارودسته این تاریخ همگی جزئی از دوارن "سیاه" تسلط منصور حکمت و اتحاد مبارزان کمونیست بر گومه له است. البته بلحاظی راست میگویند. مبتکر و مطرح کننده همه بحثها و جهت گیریهای اصلی گومه له، از کنگره دوم گومه له تا کنگره ششم آن، منصور حکمت بوده است. حتی اعلامیه حقوق مردم زحمتکش، که در مقابل بحثهای پوپولیستی عبدالله مهدی فرموله شد، و مصوبات کنگره ششم گومه له بطور مشخص نوشته‌های منصور حکمت هستند. در نتیجه از کل تاریخ گومه له میماند کنگره اول آن. اما من گمان نمیکنم اینها خود را به کنگره اول گومه له منتسب کنند. این کنگره پیش از هر چیز به انتقاد و انتقاد از خود بیمارگونه ای معطوف بود که از قضا مهدی و ایلخانی از جمله مجروحین آن هستند. بهر حال صورت جلسات این کنگره را من دارم و شاید لازم باشد برای اطلاع عموم منتشر کنم. با این تفصیلات جریان ایلخانی - مهدی از آنچه که گومه له اعلام کرده و برایش مبارزه کرده و سنت خود را شکل داده چیزی را قبول ندارند. نه اینکه قبول ندارند اینها را همه صفحات سیاه تاریخ کومه له میدانند. اقلیتی چند نفره کل رای کسانی که نظرات کنونی این دارودسته را با چشم باز و وجدان بیدار رد کرده اند را ملغی اعلام میکنند. به دلایل این کار بعداً میپردازم اما چنین کلاه برداری سیاسی تنها در شرایط خاصی ممکن است. اگر اینها این کار را در یک جامعه متمدن صفحه ۳

حسینی و منصور حکمت میبمانان کنگره بودند که نظرات خود را به اطلاع کنگره رسانند. جلال طالبانی و عزالدین حسینی هر دو نظراتی را در مورد گومه له، اتحاد مبارزان کمونیست و پروسه تشکل حزب مطرح کردند که امروز عیناً توسط دارودسته مهدی - ایلخانی تکرار میشود. این نظرات در آن کنگره رد شد. قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۶۲، رهبری گومه له انحلال سازمان زحمتکشان کردستان و پیوستن آن به حزب کمونیست ایران را به رای عمومی همه اعضا، و حتی پیشمرگان، گومه له گذاشت. تا جایی که بیاد دارم این الحاق با بیش از ۹۸ آرا به تصویب رسید ۲ درصد با نظراتی شبیه نظرات امروز جماعت مهدی - ایلخانی به این پروسه رای منفی دادند. در نتیجه بحث های امروز این جماعت در مورد گومه له و حزب کمونیست قبلاً در آن تشکیلات مطرح شد و توسط اکثریت تقریباً مطلق آن تشکیلات رد شد. اینها علیه کنگره دوم، کنگره سوم، کنفرانسهای آن تشکیلات و سرانجام آرای عمومی اعضا و پیشمرگان گومه له در آن مقطع برخاسته‌اند. این گومه له نقطه رجوع آنها و تاریخ آنها نیست. بعکس تا آنجا که به این گومه له مربوط است پدیده ای هستند که رد شده اند.

تکلیف کنگره ها و نشستهای رسمی بعد از تشکیل حزب روشن است. اینها کنگره چهارم گومه له، که پیوستن به حزب کمونیست را مجدداً، به اتفاق آرا، به تصویب رساند، و خرواری قرار و قطعنامه در جهت خطی که برگزیده بود تصویب کرد، کنگره پنجم گومه له که خطوط عمومی پیشرفت گومه له را ترسیم کرد، علیه نظامیگری سنتی موضع گرفت و اعلامیه حقوق مردم زحمتکش در کردستان را رسماً بتصویب رساند و بالاخره کنگره ششم گومه له که قطعنامه‌های آن استراتژی گومه له در عرصه

عملی چیزی جز سیاست باند سیاهی در چپته ندارد. اما مطلقاً از سنت کمونیستی گومه له چیزی را به ارث نبرده است.

از نظر عقاید و پلاتفرم چیز تازه‌ای ندارند. عقاید اینها در مورد حزب کمونیست ایران و گومه له قبلاً توسط معروف کیلانه و جلال طالبانی اعلام شده است (شاید لازم باشد اسناد این بحث ها را منتشر کرد). این عقاید و پلاتفرم که طالبانی و بعضاً عزالدین حسینی در کنگره های سوم و چهارم گومه له رسماً مطرح کردند به اتفاق آرا در آن کنگره ها رد شد و مطرح کنندگان آن مورد ریشخند قرار گرفتند. از نظر شیوه فعالیت اما این نوزاد دست مادر را از پشت بسته است. شیوه فعالیت اینها شیوه فعالیت چاقوکشان است. اینها سازمان چاقو کشان کردستان را تشکیل داده اند. اما همین نقطه ضعفشان است. مگر کردستان چند چاقو کش و لمپن دارد؟ تعداد چاقوکشان کردستان حداکثر پتانسیل گسترش اینها را نشان میدهد. البته همگان ابعاد جسارت لمپن را میدانند. در اولین رودروئی با مردم فرار را بر قرار ترجیح خواهند داد.

این دارو دسته از گومه له تنها نامش را و لیست جان باختگانش را میخواهند. همین. این واقعیت را بسادگی میشود نشان داد. فعالیت گومه له مانند هر سازمان و تشکل دیگری، در مصوبات کنگره ها و کنفرانس های این تشکیلات و برنامه آن اعلام شده است. اعضای و پیشمرگان آن برای این اهداف مبارزه می کردند و بسیاری جان باختند. گومه له، قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران، سه کنگره و چند کنفرانس داشته که اسناد اینها همگی قابل دسترس هستند. کنگره دوم گومه له کنگره چرخش بود. علاوه مارکسیسم انقلابی بود. علاوه بر مصوبات کنگره، جزوه "از کنگره اول تا دوم" نوشته شعیب زکریانی این چرخش را منعکس میکند. کنگره سوم کنگره تصویب برنامه حزب کمونیست ایران بود. در کنگره سوم گومه له جلال طالبانی، عزالدین

گومه له همین پروسه را طی کند. و بالاخره میدانند که این اتفاق سناریوی ساختن یک باند قومی فاشیست در کردستان ایران و راه انداختن پاکسازی قومی، که اینها در تدارک آن هستند، را سخت تر میکند. سوال این است که آیا "بالای" گومه له میخواهد و یا میتواند درهای این زندان نفرت را بشکند و این بندهای ملی را پاره کند؟ اطلاعیه متقابل گومه له تحت عنوان "فضای سیاسی کردستان را آلوده نکنید" در این رابطه آموزنده است که به آن بعداً بپردازم.

اما بگذارید در اینجا به اختصار هم که شده توضیح دهم که اطلاعیه های اخیر دارودسته ایلخانی - مهدی تنها یکی دیگر از شاهکارهای "عقل" عمر ایلخانی زاده نیست که در نفرت و عطف مقام مهدی ضرب شده باشد، هرچند که این هم هست. اما کمپین اخیر این دارودسته انعکاس سیاست اینهاست. جماعت مهدی - ایلخانی همانطور که ما از بدو تولدشان گفتیم چیزی جز یک دارودسته باند سیاهی قوم گرا نیستند و هرکس که، با هر پیشی، ذره‌ای به یک آینده انسانی و متمدنی برای مردم کردستان و ایران علاقه دارد باید در مقابلشان بایستد. باید راهش را از اینها جدا کند و باید تلاش کند که اینها منفرد، رسوا و پراکنده شوند. اینجا بحث بر سر ناسیونالیسم و کمونیسم نیست. مساله پاکبازی یک جریان فاشیست به معنی دقیق کلمه است. بحث بر سر اظهار وجود آراکان های کردستان است که پاکسازی قومی و راه انداختن جنگ قومی در ایران و کشاندن آن به درون خانواده‌ها را امر مقدس خود برای "بجائی" رسیدن اعلام کرده‌اند.

سازمان زحمتکش یا سازمان چاقوکشان کردستان ایران؟

دارودسته مهدی - ایلخانی تولد خود را با نام سازمان زحمتکشان کردستان ایران - گومه له اعلام کردند. و گفتند که میخواهند به سنت انقلابی گومه له مراجعت کنند. اما این باند جدید بلحاظ سیاسی نشان مادر خود، یعنی جلال طالبانی، را مثل خورشید برپیشانی دارد و بلحاظ

کمپین اخیر سازمان ایلخانی - مهدی علیه حزب کمونیست کارگری ایران و گومه له از بسیاری جهات آموزنده است. زبان این کمپین و تهدید آشکار گومه له از جانب اینها حتی ناسیونالیست‌های متمدن کرد را بفکر فرو برده است. ابعاد لمپن بازی اینها علیه گومه له و دریچه ای که این کمپین بروی شخصیت و خصلت این دارودسته باز کرده آب سردی بود بر امیدهای ناسیونالیسم ناراضی از حزب دمکرات. فکورترهایشان لابد از خودشان میپرسند شاهد تولد چه موجودی هستند؟ در افشانی های اخیر این جماعت ظاهراً علیه حزب کمونیست کارگری ایران است. اما هدف اصلی ارباب کومه له است. تهدیدهای کتبی و عملی اینها در مورد خطرات "تشنج مسلحانه در اردوگاههایشان قمه ایست که اینها بالای سر گومه له گرفته اند. میخواهند گومه له را مرعوب کنند که مبادا از زیر چتر نفرتی که مهدی ده سال کوشید تا بر این تشکیلات حاکم کند خارج شود و نفسی در هوای آزاد و سالم سیاسی بکشد. سخنرانی منصور حکمت در انجمن مارکس و عکس العمل آرام ابراهیم عزیززاده در مقابل انتقادات رفقای ما در جلسه سخنرانی ایشان در کلن یکسره این جماعت را در وحشت فرو برده است. میبینند که دلایل موجودیت شان را منصور حکمت در آن سخنرانی عریان کرد. میبینند که چهار دیواری نفرتی که اینها ده سال تمام گومه له را در آن محبوس کرده‌اند در خطر فرو ریختن است. اما مهمتر از همه میدانند که خارج شدن گومه له از این زندان نفرت معنای جز چرخش آن به چپ و نزدیکی با حزب کمونیست کارگری ایران نمیتواند داشته باشد. شروع این پروسه را در داخل کردستان شاهد هستند. میبینند که در شهرها و روستاهای کردستان دستداران و فعالین گومه له حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین آن را نزدیک ترین جریان بخود میبینند. فشار از پائین روی رهبری گومه له را میبینند و ترسشان از این است که "بالای"

انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید
www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال روی دو فرکانس پخش میشود!

بدنبال پارازیت شدیدی که از چند روز قبل توسط وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی روی برنامه رادیو انترناسیونال شروع به پخش کرده، از امروز رادیو انترناسیونال تواما روی دو فرکانس پخش میشود. طول موج ۲۵ متر فرکانس های ۱۱۶۳۵ کیلوهرتز (فرکانس تاکنونی) و ۱۱۹۰۵ کیلوهرتز (فرکانس جدید). برای مبارزه با پارازیت جمهوری اسلامی این فرکانس ها ممکن است کمی تغییر داده شوند. برای دریافت بهتر صدا اطراف این فرکانس ها هم کنترل کنید.

طول موجهای جدید را هر چه سریعتر به تمام دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید.
طول موجهای جدید رادیو انترناسیونال را به هر طریق که میتوانید به اطلاع همه مردم برسانید.

آذر ماجدی
مسئول رادیو انترناسیونال
۵ خرداد ۱۳۸۰ - ۲۴ مه ۲۰۰۱

← از صفحه ۱

میکنند بسختی فاقد هرگونه اعتمادی به نفسی هستند. تقریباً همه دارند "بطور مشروط" و با اما و اگر از خاتمی حمایت میکنند. دوم خردادی که از این انتخابات بیرون بیاید (با این فرض که بیرون بیاید) بسیار ضعیف تر، پراکنده تر و تو سری خور تر خواهد بود. جناح راست نیز سپر بلاگیری را از دست خواهد داد و عریانتر و بی دفاع تر در برابر آماج اعتراض مردم قرار خواهد گرفت. در واقع مساله شکست و رسوایی جمهوری اسلامی و هر دو جناح در ۱۸ خرداد نیست. مساله درجه و ابعاد شکست رژیم و میزان پیشروی مردم طی این انتخابات است. از اینرو بسیار اهمیت دارد که مردم بطور فعال و وسیع در صحنه اعتراض به انتخابات و جمهوری اسلامی حضور داشته باشند. عدم شرکت در انتخابات و در خانه ماندن، گرچه اعلام آشکار و تاکید دیگری بر این است که جمهوری اسلامی یا همه امحاء و احشاء اش باید برود. اما موثرتر و بسیار موثرتر اینست که کارگران، زنان و جوانان بطور متحد، قاطع و فعال علیه انتخابات و جمهوری اسلامی، چه در کارخانه و دانشگاه و مدرسه و محله و چه در روز انتخابات و در برابر حوزه های رای گیری، به میدان بیایند.

← از صفحه ۲

میگردند امروز بجرم تقلب و کلاه برداری در زندان بودند. این کار به یمن لانه کورده نشان در مطبخ آقای طالبانی و زیر حمایت مالی، تدارکاتی، نظامی و سیاسی او و خواب آلودگی و محافظه کاری فکری رهبری کومله ممکن شده است. کومله با تیغ طالبانی و زیر لوله تفنگ اوپاش او سزایرن شد و باند ایلخانی مهتدی پا به صحنه حیات گذاشت. در غیاب آن چاقو و تفنگ اینها سر را میرتند.

بهر صورت از نظر سیاسی باند ایلخانی - مهتدی کل سیاست کمونیستی کومله را کنار میگذارند تا کومله غیر سیاسی را صاحب شوند. این سیاست زدائی از کومه له و قبول یک روح انقلابی تهری از سیاست و عقاید حکمت خود را دارد. تبدیل کردن خون به ارزش اصلی در صفوفشان، اینها به آرمان و عقاید همه کسانی که از لاقال از فاصله کنگره دوم تا امروز جان خود را در سنگر مقاومت علیه جمهوری اسلامی و حزب دمکرات از دست دادند پشت میکنند، این آرمانها

و عقاید را جزو تاریخ سیاه زندگی کومله میدانند. جان باختگان این بیست سال از همه خصلت انسانی و اراده آگاهان شان تهری میشوند تا از مرگ آنها برای خود سرمایه ای بسازند. کومله اینها کومله ای نیست که پرچم برابری زن و مرد را برافراشت، کومله اینها کومله ای نیست که علیه خرافه مذهب ایستاد، کومله اینها کومله ای نیست که علیه ناسیونالیسم کرد قد علم کرد و در مقابل تعرض حزب دمکرات ایستاد. کومله اینها کومله رو کردن به جنبش کارگری، کومله اول ماه مه های سندانج، کومله نوید دهند رهایی از قید بندگی و بردگی سرمایه نیست. این آرمانها عارضه "سلطه" منصور حکمت بر آن تشکیلات اعلام میشود. حمله به منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری داستان مالیخولیایی نردبان و نردبان بازی ترقی، که البته شیروفرنی ایلخانی و مهتدی را منعکس میکند، نیست. داستان مبارزه علیه این آرمانها و این سیاست ها است. منصور حکمت پرچمدار این سیاست ها و این آرمانها است. آقای ایلخانی زاده در سخنرانی اخیر خود در کلن اعلام فرمودند که کردستان آماده سوسیالیسم نیست و هرکس این شعار را بدهد پولپوتی است. و اصلاً ببری خود نیابرد که این افاضات عین جملات حزب دمکرات و

شخص قاسملو است. حزب دمکرات درست با همین استدلال کومه له را مورد تعرض قرار داد و صدها نفر از کمونیست ها متشکل در کومه له در مقابله با این تعرض جانشان را از دست دادند. مهتدی و ایلخانی به عقاید قاسملو گرویده اند اما زندانه خود را صاحب صفی اعلام میکنند که بدست قاسملو و شرفکنندی بخاک افتادند. آنها که جانشان را از دست دادند امروز متأسفانه زنده نیستند که به این شیادی اعتراض کنند. زبانشان از اعتراض کوتاه است. اما اکثریت عظیم زندگان آن تاریخ این جماعت را طرد کرده اند. این سیاست زدائی از چهره کمونیست هائی که در صفوف کومه له جان باختند تنها یک حکمت دارد. میخوانند بگویند کومه له یعنی نظامی گری یعنی انقلابی گری کور و نا آگاه، یعنی جنگجوی ملی و قومی. نقطه رجوع اینها خون و قومیت است. درست مثل فرقه های فاشیست قومی یا مذهبی دیگر. میخوانند صفوفشان را بر اساس تعلق به جنگ، خون و قومیت منسجم کنند. یاد جانباختگان برای اینها مراسم سینه زنی و تعذیبهای است که قرار است صفوفشان را منسجم کند و به خلسه فاشیستی فرو برد. با ملغمه عقاید قاسملو و طالبانی نمیشود یک تشکیلات جدید درست کرد، حزب دمکرات وجود دارد. پس باید تاریخ موجود را جعل کرد، از سیاست تهری کرد، باید آرمان جانباختگان کومله را روتوش کرد، از انسانیت تهنشان کرد تا بتوان آنها را وثیقه و "شهید" آرمان و سیاسی نمایاند که آنها در مقابل آن ایستادند و جان خود را از دست دادند.

چقدر این کثیف است! چقدر این کار تبهکارانه و زل است! این جنایتی فراتر از کشتن آنهاست. تعرض به آرمان آنها و خاطره آنها و چهره واقعی آنهاست. جمهوری اسلامی و حزب دمکرات این کمونیستها را بخاک انداختند اما نتوانستند عقاید آنها را روتوش کنند. اینها برای ساختن سرمایه سیاسیانشان از این جنایت ابائی ندارند.

مکمل این خون پرستی و وقومی گری فاشیستی پلافرم اعلام شده اینها در باب فدرالیسم قومی در ایران است. میگویند همه اقوام ایران باید در یک کشور فدرال براساس قومیت سازمان پیدا کنند. منصور حکمت در جلسه انجمن مارکس نشان داد که معنای زمینی این شعار چیست. جنگ میان ترک و کرد

در نقد و ارومیه، جنگ میان کرد و فارس در تهران و کرمانشاه، جنگ عرب و فارس در خوزستان، و ... همه کوچه ها و خیابانهای شهر ها و روستاهای ایران باید صحنه جنگ بر سر این کوچه و آن خانه، این نهر و آن رودخانه، این تپه و آن کوه شود تا اینها بتوانند بردوش این پدیده کثیف به جانی برسند. این جنگی است که محدوده خانواده را هم برسمیت نخواهد شناخت. تجربه یوگسلاوی، بوسنیا، چینیا، کوسوو، آذربایجان و ارمنستان امروز جلوی چشم همه است. باند ایلخانی - مهتدی آرزویانشان این است که به چیزی شبیه ارتش آزادیبخش کوسوو تبدیل شوند که یک پایش در نرفت قومی است و یک پایش در مواد مخدر و سرش در آخور دستگاههای اطلاعاتی آمریکا. اینها نقطه مقابل همه چیزهائی است که کومله از روز تشکیل برایش مبارزه کرده است. واقعا کثیف اند!

نام کومله و تاریخ غیر سیاسی و غیر آرمانی آنها میخوانند چون برای "کاره ای" شدن در کردستان به آن احتیاج دارند. میخواستند در مذاکره "موعود" حزب دمکرات با جمهوری اسلامی سرشان بیکلا بماند. در این راه حاضر شدند علیه تشکیلات خود، علیه کومله ای که اینهمه ظاهرا به حال آن دل میسوزانند، توطئه کنند و با به میدان کشیدن نیروهای جلال طالبانی از کومله باج گیری کنند و آنها را مجبور به قبول پلافرم فاشیستی شان کنند. ده سال در کومله و حزب کمونیست ایران عقایدشان را ترویج کردند، وقتی بجائی نرسیدند. بلافاصله به طالبانی، آموزگار و رهبرشان، رو میاورند. با پول طالبانی و مخفیانه شروع به خرید آدم و تدرک کودتا میکنند. وقتی دستشان رو شد به اردوگاهی خزیدند، جلال طالبانی را سراغ کومله فرستادند، کنگره کومه له را از عکس العمل نیروهای مسلح طالبانی ترساندند تا قبول کند که ۵۰ درصد کمیته مرکزی را به آنها بدهد وقتی که این ماجراجویی کثیف، از جمله بدلیل دخالت حزب کمونیست کارگری ایران، به نتیجه نرسید جدا شدند. با پوچ در آمدن وعده های جمهوری اسلامی، کل سناریو در محاق فرو رفت. امروز آقای ایلخانی دارد چاقوی پلاستیکیش را در خیابانهای سوئد و آلمان به زمین میکوبد و عضله

صفحه ۴

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

← از صفحه ۳
میگیرد! واقعا چه عضلاتی!؟

میدانند علیه ما کاری از دستشان ساخته نیست. با همه دروغ هائی که بهم میبافند میدانند نفوذ ما در کردستان چقدر است. میدانند که سازمان دهندگان کوچ مریوان و جنگ سنج، آنهائی که زنده هستند، امروز در صفوف حزب کمونیست کارگری ایران متشکل هستند. اما همانطور که جانباختگان را خلع آرمان و سیاست میکنند تا از خون آنها پرچم سیاهی بر افرازند، زندگان را به فحش میگیرند تا بخيال خودشان در ذهن مردم آنها را بکشند. پس باید همه آرمانها تف کرد، نفرت آفرید، نفرت بخش کرد و خون را مینا قرار داد و چاقو کشید. این عمق فاشیسم آنهاست. وحشتشان از این است که "بالای" کومهله تکلیفشان را با این دیوار نفرت روشن کند و واقعا و بی شبه آرمان ها و سیاست های کومهله کمونیست را مینا قرار دهد، چشم به دنیای انسانی، واقعی و سیاسی امروز بیندازد. میدانند که این کار میخ دیگری بر تابوت آرزوهایشان است. پس باید عربده کشید و تهدید کرد. این دارو دسته سخیف رسماً کومه له را بدلیل نسبت دادن صفاتی چون "عقب مانده" و "عشیره ای" به آنها تهدید به تشنج در اردوگاهها میکنند. اطلاعاتی هایشان و نوشته هایشان، بخصوص در نشریه شورش (ارگان کردی آنها)، را بخوانید تا این واقعیت را ببینید. دارند برای کومهله چاقو میکشند. این سازمان چاقوکشان کردستان است. باید رسوایش کرد.

کومهله در دو راهی سرنوشت: گردد به چپ یا اضمحلال

عکس العمل کومهله در رابطه با این دارودسته لمپن - چاقو کش و کمپین اخیر آنها، همانطور که گفتیم، آموزنده است. عدهای نام کومهله را بزور اسلحه جلال طالبانی بسرقت برده اند، هرروز از رادیوشان علنا مشغول تحریک علیه کومهله هستند، افرادشان را آماده رودروئی مسلحانه با کومهله میکنند، مسئولین کومهله هر شب نگران درگیری مسلحانه با اینها سر ببالین میگذارند، در یک کلام برایشان چاقو کشیده اند که سیاست کمونیستی کومهله را بیاد کسی

نیاورند و روابطشان را با حزب کمونیست کارگری عادی نکنند. آتوق کومهله، بجای دفاع از خود و بجای مقابله با چاقو کشی علیه خود، همت کرده و از آزادی فعالیت سیاسی ما در کردستان دفاع میکند و نسبت به "بیگانگی ستیزی" این جماعت، که گویا میشود از آن برداشت ناسیونالیستی کرد!، هشدار میدهند. واقعا چه جسارتی؟ واقعا چه دوراندیشی؟

اولا همینجا از جانب حزب کمونیست کارگری ایران از کمیته مرکزی کومه له تشکر میکنم که از حق فعالیت سیاسی ما دفاع برخاسته اند. حتما از "بیگانگی" چون همه سور، فاتح شیخ الاسلامی، رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، مجید حسینی، اسد گلچینی، صالح سرداری، جلال برخودار، ایرج فرزاد، صلاح ایراندوست، عمر کریمی، خالد علی پناه و دهها عضو دیگر شورای مرکزی تشکیلات کردستان حزب خواهش خواهیم کرد که هرقت خواستند به کردستان بروند حتما یادشان باشد که از رفقا فرهاد شعبانی و حسن رحمان پناه و دبیر خانه کومه له برگ عدم تعرض بگیرند تا مبدا عمر ایلخانی زاده مانعشان شود.

ثانیا، از شوخی گذشته، این دفاعیه، هرچند شریف، جواب مساله نیست. مستقل از اینکه رهبری کومهله چقدر از موقعیت کنونی ناخشنود باشد، سرنوشت تشکیلاتشان مورد سوال است. نه از جانب ما، از جانب کل جامعه از چپ تا راست. با جاحالی دادن نظری نمیتوان سر را زیر برف کرد و خود را به کوچه علی چپ زد و از نظر سیاسی جان بدر برد. سوال این است که کومهله چکار میخواهد بکند؟ چه بر سر آن خواهد آمد؟ و چگونه میتواند خود را سر پا نگاه دارد؟ تفاوتش با حزب کمونیست کارگری چیست؟

گفتن اینکه تفاوتشان با حزب کمونیست کارگری ایران روشن است جواب این سوالها نیست. خواهش ما این است که برای اطلاع عموم، هم ما، هم اعضا و دوستداران در کردستان و هم دارودسته ایلخانی - مهدتی، این اختلافات را روی کاغذ بیاروند. روشن کنند که بلحاظ سیاسی و آرمانی، بلحاظ هدف و برنامه کجا ایستاده اند؟ بحث بر سر تاریخ دو انشعاب نیست.

انترناسیونال هفتگی

بحث بر سر این است که کومهله چه آرمان و افقی را میخواهد نمایندگی کند؟ تئوریش برای توضیح جهان پیرامونیش چیست؟ کمونیسم و جامعه سوسیالیستی را چه میداند؟ فکر میکند چگونه باید این هدف را متحقق کند؟ برنامه ۵ سال آینده اش چیست؟ رابطه اش با نیروهای سیاسی ایران کدام است؟ چه کسی را بخود نزدیک و چه کسی را بخود دور میکند؟ در مقابل عربده کشی این دارودسته لمپن، بجز توسل به میانجیگری "شخصیت" های کرد، چه برنامه ای دارد؟ اگر بخواهند این کار را بکنند آتوق متوجه میشوند که مشکل دارودسته مهدتی - ایلخانی منصور حکمت نیست. هر کلمه ای کومهله علیه ناسیونالیسم بگوید، هر جمله ای که در مورد برابری حقوق زن و مرد بگوید، هر حرفی که در مورد منفعت کارگران در کردستان از زبانشان بیرون بیاید مهر منصور حکمت را برخود دارد. نمیتوان از تاریخی دفاع کرد و سازندگان آن تاریخ را زیر فرش قایم کرد. نه کارگران و آزادخواهان در کردستان و نه اعضا و دوستداران کومهله پشت چنین خطی بسیج میشوند. دولا دولا و لای جملات دوپهلوی و مبهم نمیشود موجودیت سیاسی خاصی را حفظ کرد. کومه له مورد سوال است، چه دوست داشته باشند و چه نداشته باشند. جواب این سوالات را باید داشت.

مشکل کومه له را هرکس که به آن دقت کند میبیند. در "بالای" کومهله اکثریت با کسانی است که با سیاست ناسیونالیستی باند ایلخانی - مهدتی مشکلی ندارند. با منش و رفتار تشکیلاتی آنها، و بخصوص مهدتی، اختلاف دارند. اینها حاضر اند به حزب دمکراتی که صدها فعال کومه له را کشته است روابط عادی داشته باشند اما از نزدیکی با حزب کمونیست کارگری منجزر اند. هر تعبیری از تاریخ گذشته داشته باشید این یک انتخاب سیاسی است که توسط دوستداران خط مهدتی در "بالای" کومهله به آن تحمیل شده است. در پائین، بخصوص در شهر های کردستان، اما قضیه عکس این است. فعالین و دوستداران کومهله حزب کمونیست کارگری ایران را نزدیک ترین جریان بخود میدانند. فعالین و دوستداران کومهله، کومهله را بخاطر

دفاعش از آرمانهای انسانی آن دوست دارند. میدانند و میبینند که این آرمانها توسط کسانی فرموله شد و به سیاست کومهله تبدیل شد که امروز در صف حزب کمونیست کارگری ایران هستند. میدانند سخنگوی این آرمانها منصور حکمت بوده، میبینند که این آرمانها بیش از هرجریان دیگری امروز توسط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود. در نتیجه دوستی با همه جانوران سیاسی کردستان و ایران و دوری از حزب کمونیست کارگری به خرجشان نمیرود. اینهم یک انتخاب سیاسی است. سوال این است که بالاخره بالای کومه له، بخصوص کسانی نظیر ابراهیم علیزاده و صلاح مازوجی که میخواهند از سنت و تاریخ کمونیستی کومهله دفاع کنند، چقدر میتوانند لای این دو گرایش تشکیلاتشان را حفظ کنند. تاریخ و تجربه نشان داده است که این کار ممکن نیست. زیر فشار دو طرف دیر یا زود بالای تشکیلات به صف مهدتی - ایلخانی و پائین آن به ما جذب میشود و کومهله اگر منحل نشود به پدیده مردهای تبدیل میشود. این اتفاق جالبی نیست. زیرا که با از میدان بدر رفتن کومهله کنونی دارودسته مهدتی ایلخانی به تنها کومهله موجود در کردستان تبدیل میشوند. این به ضرر ما، به ضرر صف آزادیخواهی و صف برابری طلبی در کردستان و در سراسر ایران است. بگذارید در اینجا یک سیاست حزب کمونیست کارگری ایران را به صراحت و روشنی توضیح دهم. ما سیاست الحاق کومهله به حزب کمونیست

کارگری ایران را نداریم. وجود یک کومهله کمونیست در کردستان را بنفع خود و به نفع جنبش کمونیستی میدانیم. اما ما نمیتوانیم کومه له را برای کسی حفظ کنیم. کومه له در متن کشمکش سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه باید بتواند روی پای خود به ایستد. این کار جز با روشنی و صراحت سیاسی ممکن نیست. باید به تشکیلاتان خط، امید و افق بدهید. این جز با دفاع از سنت کمونیستی کارگری و جز با دفاع سربلند از جهت گیری های سیاسی ناشی از آن ممکن نیست. آیا کومهله میتواند از این گرداب بیرون بیاید؟ برخورد تاکنونی علیزاده و مازوجی امید زیادی را بجای نمیکند. ظاهرا منزوی کردن و آشنای - دارودسته فاشیستی ایلخانی - مهدتی تنها راه ماست. همانطور که دفاع پایه ای و عمیق از کومهله و تاریخ کمونیستی آنرا تا همین حالایش بر عهده ما بوده است.

رفقای عزیز! بعنوان یک رفیق عرض میکنم چه دوست داشته باشید چه نداشته باشید به وسط صحنه پرتاب شدهاید. هر تبیینی از گذشته داشته باشید، آینده سراغتان آمده. خود را بخواب زدن و حرف کلی و مخرج مشترک زدن دردی از کسی دوا نمیکند. تجربه گذشته باید نشاننده داده باشد که آنکس که پرچم سیاسی بر میافرازد و دیدگاههایش را روشن میکند میتواند نیرو جلب کند. و آنکس که این کار را نکند نیرو از دست میدهد.

منتشر میشود

بحران و انشعاب در کومه له

سخنرانی منصور حکمت

در انجمن مارکس لندن

آذر مدرسی رئیس هیات دبیران 0049-172 7823746

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج 0044-771 4097928

رحمان حسین زاده-دبیر کمیته کردستان:

0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی کمیته کردستان:

0049-177 569 2413

بهروز مدرسی -دبیرسازمان جوانان کمونیست:

0049172 295 7603

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:

Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:

www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England